



چپ‌ها به طبقه کارگر «تحصیل نکرده» نیاز دارند

راس بارکان

ترجمه‌ی مجتبی ناصری

احزاب سیاسی چپ، در سراسر دنیا، دهه‌هاست که حمایت طبقه کارگر را مدام از دست می‌دهند. تصور اینکه چپ در دراز مدت بتواند در مقام مدافع جهان‌وطنی مرفه موفقیتی طولانی مدت کسب کند خواب و خیالی بیش نیست.

وقتی دونالد ترامپ برای اولین بار در سال ۲۰۱۶ نامزد ریاست جمهوری شد، شعاری داد که از نظر اکثر روزنامه‌نگاران و صاحب‌نظران لیبرال عجیب و غریب بود. «ما حمایت اونجلیست‌ها را بدست آوردیم. ما با جوانان‌مان پیروز شدیم. ما با پیران‌مان پیروز شدیم». ترامپ هنگام سخنرانی پیروزی در نوادا اینگونه رجز خواند. «ما با تحصیل کرده‌ها مان پیروز شدیم. ما با تحصیل نکرده‌ها مان پیروز شدیم. من تحصیل نکرده‌ها را دوست دارم.»

در آن زمان، [رجزخوانی](#) ترامپ در مورد رهبری ائتلافی از «تحصیل نکرده‌ها» در سطح وسیعی مورد تمسخر قرار گرفت، و اغلب آن را گاف دیگری دانستند که در نهایت می‌توانست به نابودی کارزار انتخاباتی او منجر شود، اما چنین نشد. هیچ یک از نامزدهای ریاست جمهوری در حافظه [تاریخ] مدرن رای‌دهندگان را این‌گونه خطاب نکرده است. برای دهه‌ها – دست کم در دوران کارزارهای تلویزیونی – با تعبیری لطیف‌تر به

این بخش از جامعه‌ی آمریکا اشاره می‌شد یا اصلاً متمایز نمی‌شدند. وکس^۱، با جمع بندی تفکر گروه لیبرال در آن زمان، آن را «عجیب‌ترین شعار تبلیغاتی» در سخنرانی‌های ترامپ خواند.

ترامپ البته ریاکار است. او دائماً با مدرک ایوی لیگ^۲ خود پز می‌دهد و از کسانی که در مدارس و دانشگاه‌های نخبگان درس خوانده‌اند، برای دیگران بت می‌سازد. او به عنوان رئیس جمهور، دوباره همان سیاست‌های محافظه کارانه فروبارشی^۳ را در پیش گرفته که به نفع شرکت‌ها و الیگارش‌های بزرگ و به ضرر مردم عادی است. بزرگترین میراث او تحقق اولویت‌های معمول جمهوری خواهان، مانند چپاندن نیروهای خود در دادگستری فدرال و انتصاب قضات دست راستی در دیوان عالی است.

اگر جو بایدن موفق شود زمین ریاست جمهوری را از ترامپ بگیرد - از کسی که شاید شلخته‌ترین کارزار انتخاباتی را در تاریخ آمریکا توسط رئیس جمهور مستقر به راه انداخته - برخی ممکن است تصور کنند که حزب دموکرات به زودی قادر خواهد بود به ریشه‌های خود در مقام حزبی با ائتلاف گسترده از طبقه کارگر روستایی و فقیر بازگردد. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد بایدن در جلب حمایت سفیدپوستان فاقد تحصیلات دانشگاهی یعنی بخشی از رای‌دهندگان که باعث پیروزی مشهور ترامپ در سال ۲۰۱۶ شدند موفقیت‌های بزرگی به دست آورده است و حمایت سیاه‌پوستان طبقه کارگر و مهاجران آمریکای لاتینی را نیز حفظ کرده است.

اما بایدن، با فرض پیروزی‌اش، بعید به نظر می‌رسد مسیری را که مدتی است تغییر یافته، عوض کند: حزب دموکرات به‌طور فزاینده‌ای از کسانی که فقط تحصیلات دبیرستانی دارند در حال فاصله گرفتن است. غیرسفیدپوستان هنوز هم اکثراً دموکرات‌ها را به جمهوری خواهان ترجیح می‌دهند - بومی‌گرایی و تعصبات آمریکایی ترامپ در این زمینه تاثیر داشته است - اما آن‌ها که فاقد تحصیلات دانشگاهی‌اند (مانند هم‌تایان

¹ Vox.com

^۲ ایوی لیگ (Ivy League) اتحادیه‌ی ورزشی دانشکده‌های آمریکایی است که شامل هشت دانشگاه خصوصی در شمال شرقی ایالات متحده است. اصطلاح ایوی لیگ معمولاً فراتر از زمینه‌های ورزشی برای اشاره به هشت مدرسه به عنوان یک گروه از دانشکده‌های نخبه است که معنای نخبه‌گرایی در نظام آموزشی، در انتخاب و پذیرش و در جامعه دارد. اعضای آن (به ترتیب حروف الفبا) دانشگاه براون، دانشگاه کلمبیا، دانشگاه کرنل، کالج دارتموث، دانشگاه هاروارد، دانشگاه پنسیلوانیا، دانشگاه پرینستون و دانشگاه ییل هستند.

^۳ نظریه‌ی فروبارشی مدعی است که پشتیبانی‌های مالی شرکت‌های بزرگ در نهایت سرریز کرده و به کسب و کارهای کوچک و مشتری‌ها خواهد رسید.

سفیدپوست‌شان) بسیار کمتر از دارندگان تحصیلات دانشگاهی به دموکرات‌ها رأی می‌دهند و دیگر خیال نخبگان حزب نمی‌تواند راحت باشد که هم‌چنان آراء طبقه کارگر سیاه و آمریکای لاتینی را خواهند داشت. بایدن در جلب آراء رنگین‌پوستان ضعیف‌تر از هیلاری کلینتون ظاهر شد، کلینتونی که تلاش‌اش برای اینکه بتواند به اندازه‌ی باراک اوباما آراء غیرسفیدپوستان را بدست آورد یکی از دلایل شکست‌اش بود. این تبعیض نژادی را می‌توان در دسترسی به امکان تحصیل نیز دریافت: طبق سرشماری، در سال ۲۰۱۹، ۴۰ درصد از سفیدپوستان بالای ۲۵ سال موفق به اخذ مدرک دانشگاهی شده‌اند، در حالی که ۲۶ درصد سیاه‌پوستان و ۱۹ درصد لاتین‌تبارها این توفیق را داشته‌اند.

این همه یعنی چی؟ این آمار برای چپ‌هایی که امیدوارند حزب دموکرات بتواند دوباره وسیله‌ای برای بهبود اوضاع فقیرترین افراد در میان ما شود این طنین را دارد که تاکید بر اولویت‌ها لزوماً با نیازهای افراد تحصیل‌کرده جفت‌وجور نمی‌شود. برنی سندرز و نیز الیزابت وارن، حق داشتند از دانشگاه بدون شهریه و لغو بدهی دانشجویان دفاع کنند. اما به راحتی می‌توان فراموش کرد که بسیاری از افراد طبقه کارگر و فقیر آمریکایی هستند که این را به عنوان یک مسئله مهم در زندگی خود تلقی نمی‌کنند. بدهی دانشجویان مسئله آنها نیست زیرا در وهله‌ی اول آنها اصلاً به دانشگاه نرفته‌اند.

در حالت ایده‌آل، نباید مجبور باشیم بین آموزش عالی رایگان و ریشه‌کن کردن فقر یکی را انتخاب کنیم. متأسفانه، سرمایه سیاسی فقط می‌تواند به روش‌های متعدد هزینه شود [و نه به چند روش محدود]. صرفاً تولید بیشتر فارغ‌التحصیلان دانشگاهی برای ترمیم آسیب‌های ناشی از نابرابری درآمد یا جلوگیری از درغلطیدن طبقه کارگر به چنگال راست کافی نخواهد بود.

آنچه را ترامپ در سال ۲۰۱۶ با ناپختگی تمام بیان کرد باید بیشتر مورد تصدیق و تایید قرار داد. آن‌ها که تحصیلات عالی ندارند - کسانی که به اندازه نخبگان لیبرال و محافظه‌کار آموزش ندیده‌اند، کسانی که یا در شهرهای بزرگ زندگی نمی‌کنند و یا در محله‌هایی زندگی می‌کنند که چندان با مناطق مرفه‌تر، خواه به لحاظ فرهنگی خواه اقتصادی، سر و کار ندارند - شایسته‌ی همان سطح از کرامت، حرمت و فرصت زندگی هستند. وسواس در داشتن تحصیلات جام مقدس دموکرات‌ها بوده است: کافی است بچه‌های فقیر یا رنگین‌پوست

بیشتری راهی ییل یا دارتموث شوند تا معضل فقر خود به خود ریشه کن شود. [از دید دموکرات‌ها] شایسته‌سالاری همیشه جواب می‌دهد، فقط نردبان‌های بیشتری در اختیار بهترین و زیرک‌ترین افرادی قرار دهید که در بخش‌ها و شهرهای کوچک سراسر آمریکا با اقتصاد نامناسب ساکنند. آنها را بالا بکشید - آنها را از فضای محروم خود بیورید و به سمت سرزمین موعود نیویورک یا لس آنجلس راهی کنید - آنوقت همه‌ی مشکلات جهان حل می‌شود. به تعبیر یک نویسنده، کریس آرنید، این «نقاله‌ی استخراج معدن» مغزها زندگی طبقه کارگر را بی‌ارزش می‌کند و محله‌های مبارز را به هزینه‌ی شهرهای بزرگ و حومه‌های برخوردار تضعیف می‌کند.

مرحله بعدی سازماندهی چپ مستلزم اولویت قائل شدن برای افرادی است که سازماندهی آنها از همه سخت‌تر است. در این میان خبرهای خوبی هم وجود دارد: جناح راست، به جز جنگهای بی‌پایان فرهنگی و حمایت از ریاضت اقتصادی به سبک «کوچ»^۴، راه حل جدی ارائه نمی‌دهد. ترامپ یک پوپولیست در پیت است.

چپ‌ها باید بیش از پیش به دفاع از دانشگاه‌های رایگان و دانشگاه‌های دولتی پردازند. اما نباید اشتباه لیبرال دموکرات‌ها را مرتکب شوند که تصور می‌کنند هدف غایی باید پاسخگویی به نیازهای جهان‌وطن‌های مرفه باشد. بهداشت و درمان رایگان برای همگان، تضمین اشتغال دائم و امنیت درآمد - شاید از طریق نوعی درآمد پایه - تازه اول راه طولانی تغییر اساسی زندگی میلیون‌ها نفر و تقویت وفاداری آنها به چپ خواهد بود.

بادهای مخالفی در برابر چپ‌ها مشغول وزیدن است، هم از داخل آمریکا و هم از سراسر جهان. احزاب سیاسی دست چپی، رأی‌دهندگان کم‌درآمد و کم‌تحصیلات را از دست می‌دهند و به تدریج تبدیل به

^۴ دیوید همیلتون کوچ [David Hamilton Koch] یک تاجر آمریکایی، خیر، فعال سیاسی و مهندس شیمی بود. در سال ۱۹۷۰، به شغل خانوادگی پیوست: صنایع کوچ، دومین شرکت بزرگ خصوصی در ایالات متحده. وی در سال ۱۹۷۹ رئیس شرکت تابعه مهندسی کوچ شد و در سال ۱۹۸۳ صاحب مشترک صنایع کوچ شد (به همراه برادر بزرگترش چارلز). کوچ نامزد معاون ریاست جمهوری حزب لیبرتاریان در انتخابات ریاست جمهوری ۱۹۸۰ بود، بلیط حزب را با اد کلارک، نامزد ریاست جمهوری سهم شد. گروه کلارک-کوچ وعده داد که تأمین اجتماعی، شورای فدرال رزرو، خدمات رفاهی، قوانین حداقل دستمزد، مالیات شرکت‌ها، کلیه حمایت‌های قیمت و یارانه‌های کشاورزی و تجارت و آژانس‌های فدرال ایالات متحده را حذف کند.

مدافعان جهان‌وطنی مرفه می‌شوند. کسانی که تلاش می‌کنند حزب دموکرات را به دست بگیرند و آن را تبدیل به ابزاری برای تغییرات بنیادی کنند نمی‌توانند این مسئله را نادیده بگیرند. برای تخیل و طرح خط‌مشی‌های سیاسی باید این واقعیت دلسردکننده را لحاظ کرد. فقط در این صورت تاریخ می‌تواند مسیر دیگری در پیش بگیرد.

منبع:

منتشر شده در مجله ژاکوبن، 10.31.2020

بارکان، راس. «چپ‌ها به طبقه کارگر «تحصیل نکرده» نیاز دارند»، ترجمه‌ی مجتبی ناصری، *دموکراسی رادیکال*،

دریافت از: <https://radicald.net/1hpi>، ۱۳۹۹/۰۷/۱۲

